

بررسی پیش‌گذاری فعل در جملات پرسشی آری - نه در زبان فارسی (رویکردی کمینه‌گرا)

شجاع تفکری رضائی^۱

استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه

حسین مغانی

دانشجوی دکتری دانشگاه رازی کرمانشاه

(از ص ۱ تا ص ۱۸)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۳/۲۵؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۲/۲۰

چکیده

در این مقاله، فرایند پیش‌گذاری فعل در جملات پرسشی آری - نه در زبان فارسی از منظر برنامه کمینه‌گرا (چامسکی، ۱۹۹۵؛ ۲۰۰۱a-b) مورد بررسی قرار می‌گیرد. رقیب‌دوست (۱۹۹۳) به پیروی از کریمی (۱۹۸۹) این ساختارها را حاصل خروج فاعل به جایگاهی بعد از فعل می‌داند. برخلاف باور رقیب‌دوست (۱۹۹۳)، ما در این تحقیق با استناد به شواهدی مانند انگیزه حرکت عناصر در دستور زبان، ماهیت متفاوت فعل نسبت به عناصر پیش‌گذاری شده در ساخت‌های دارای عناصر مبتدأ شده متعدد و همچنین عدم امکان حضور جزء فعل سبک افعال مرکب در جایگاه قبل از فاعل نشان می‌دهیم که جملات پرسشی آری - نه دارای فعل در جایگاه آغازین، نه به واسطه خروج فاعل، بلکه از طریق پیش‌گذاری فعل شکل می‌گیرند. درخصوص جایگاه فرود فعل پس از حرکت نیز با استفاده از شواهدی چند، تلقی هسته گروه متمم‌نما به عنوان جایگاه فرود فعل (کریمی ۱۹۹۴) را رد کرده و هسته گروه تأکید را جایگاه واقعی فرود این عنصر معرفی می‌کنیم. در تحلیلی که در اینجا ارائه شده است، مشخصه [-پرسشی] بر روی فعل پیش‌گذاری شده به عنوان جستجوگر تحت فرایند مطابقت به وسیله مشخصه [+پرسشی] موجود در جایگاه هسته گروه متمم‌نما به عنوان مقصد، بازبینی و ارزش‌گذاری شده و از این رهگذر، خوانش پرسشی برای جمله فراهم می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: پیش‌گذاری فعل، جملات پرسشی آری - نه، متمم‌نما، تأکید، مشخصه پرسشی.

sh.tafakkori@razi.ac.ir

^۱. رایانامه نویسنده مسئول:

۱- مقدمه

پیش‌گذاری فعل^۱ به فرایندی اطلاق می‌شود که به موجب آن، فعل واژگانی یا کمکی در جمله تحت تأثیر عواملی خاص به جایگاه آغازین بند درونه‌ای یا بند اصلی حرکت می‌کند. این پدیده، که در بسیاری از زبان‌های دنیا مورد بررسی قرار گرفته، خاص زبان‌هایی است که ارتقای فعل (واژگانی و کمکی) به جایگاه‌های بالاتر در ساخت سلسله‌مراتبی جمله را مجاز می‌دانند. نمونه کلاسیک چنین زبان‌هایی فرانسه و انگلیسی است که به ترتیب، ارتقای فعل واژگانی و فعل کمکی در آنها امکان‌پذیر است (پالاک^۲، ۱۹۸۹). در مورد زبان فارسی نیز که از آرایش واژگانی کمابیش آزاد است و همه ساخت‌های گروهی آن، اعم از نوع موضوع یا افزوده، به صورت بالقوه قادرند تحت فرایند قلب نحوی و به منظور برآورده‌ساختن انگیزه‌های معنایی یا نقشی - کلامی به ابتدای جمله جابجا شوند (کریمی، ۲۰۰۵: ۱۷-۱۶)، این امر مصداق می‌یابد. در واقع، علی‌رغم اینکه آرایش واژگانی بی‌نشان در فارسی از ترتیب فاعل - مفعول - فعل (SOV) پیروی می‌کند (درزی و انوشه، ۱۳۸۹؛ کریمی، ۱۹۹۴؛ کریمی، ۲۰۰۵؛ طالقانی، ۲۰۰۶)، این آرایش پایه تحت شرایطی خاص دستخوش تغییر می‌شود و تقریباً تمامی اجزای جمله می‌توانند در جایگاهی متفاوت نسبت به جایگاه اولیه خود قرار گیرند. یکی از این ساخت‌ها، جملات پرسشی آری - نه است که در آنها فعل واژگانی در ابتدای جمله قرار می‌گیرد. در این جایگاه، که به نظر می‌رسد جایگاه ثانویه فعل باشد، فعل در جایگاه ماقبل فاعل آشکار یا غیرآشکار و سایر عناصر جمله قرار می‌گیرد و عموماً از تأکیدی نسبی نیز برخوردار است، مانند مثال (۲) در زیر:

(۱) سارا رفت.

(۲) رفت^۳ سارا؟

در جملاتی از این دست، ضمن وجود نوعی تأکید بر روی فعل، جمله نیز دارای آهنگ خیزان است، ویژگی‌ای که جملات پرسشی آری - نه در فارسی از آن برخوردارند. جملاتی از این قسم به طور معمول، متضمن پاسخ آری - نه هستند. در این راستا،

^۱. verb-preposing / -fronting

^۲. Pollock

^۳. در این مقاله، سازه مؤکد با خط برجسته نشان داده می‌شود.

پژوهش حاضر می‌کوشد تا با ارائه ادله‌ای چند، پاسخ مناسبی را برای پرسش‌های زیر در زمینه ساخت‌های مورد بحث به دست دهد:

(الف) سازه جابجاشده در ساخت‌های پرسشی آری - نه از نوع مثال (۲) کدام است؟
(ب) گروه متمم‌نما به عنوان جایگاه بالقوه فرود سازه حرکت‌داده‌شده در ساخت‌های مورد نظر چگونه قابل تبیین است؟

(ج) گروه تأکید به عنوان جایگاه بالقوه فرود سازه حرکت‌داده‌شده در ساخت‌های مذکور چگونه قابل تبیین است؟

(د) بازبینی مشخصه پرسشی در ساخت‌های مورد بحث به چه شیوه‌ای است؟
داده‌های مورد استفاده در این پژوهش برگرفته از گونه فارسی گفتاری معیار و چارچوب نظری مورد استفاده، نظریه بازبینی مشخصه‌ها^۱ در قالب برنامه کمینه‌گرای چامسکی (۱۹۹۵؛ ۲۰۰۱a-b) است. در این برنامه، برخی از مشخصه‌ها در سطح صورت منطقی تعبیرپذیر^۲ و برخی دیگر تعبیرناپذیر^۳ هستند (هورنستاین^۴ و دیگران، ۲۰۰۵: ۲۹۱). به منظور همگرایی^۵ جمله، مشخصه‌های تعبیرناپذیر باید قبل از سطح صورت منطقی^۶ حذف شوند (همان). حذف مشخصه‌های تعبیرناپذیر بر طبق بازبینی مشخصه‌ها مشخصه‌ها (زیلسترا^۷، ۲۰۰۴: ۱۴) در رابطه مشخص‌گر - هسته^۸ (چامسکی، ۱۹۹۵) و از طریق سازوکارهای حرکت^۹ یا مطابقت^{۱۰} صورت می‌پذیرد. مطابقت، به عنوان سازوکاری که بین یک جستجوگر^{۱۱} با مشخصه‌های تعبیرناپذیر و مقصد^{۱۲} با مشخصه‌های تعبیرپذیر متناظر با مشخصه‌های جستجوگر ارتباط برقرار می‌کند (هورنستاین و دیگران، ۲۰۰۵: ۲۱)، مستلزم حرکت نیست و طبیعتاً از حرکت سازه‌های نحوی برای بازبینی مشخصه‌ها، اقتصادی‌تر است (چامسکی، ۱۹۹۵).

1. feature checking
2. interpretable
3. uninterpretable
4. Hornstein
5. convergence
6. logical form (LF)
7. Zeijlstra
8. spec-head
9. move
10. agree
11. probe
12. goal

سازمان‌بندی کلی مقاله حاضر بدین صورت است: در بخش (۲)، پیشینه‌ای از مطالعات انجام‌شده در زمینه پیش‌گذاری فعل در فارسی عرضه می‌گردد؛ در بخش (۳)، نوع سازه حرکت‌داده‌شده در ساخت پرسشی آری - نه تبیین می‌شود؛ در بخش (۴)، دلایلی در مخالفت با گروه متمم‌نما^۱ و در حمایت از هسته گروه تأکید^۲ به عنوان جایگاه جایگاه فرود فعل پیش‌گذاری‌شده در ساخت مورد بحث ارائه می‌گردد و سپس، شیوه بازیابی مشخصه [پرسشی]^۳ بررسی می‌شود؛ بخش (۵) نیز نتیجه‌گیری مقاله است.

۲- پیشینه موضوعی

رقیب‌دوست (۱۹۹۳: ۸) به پیروی از کریمی (۱۹۸۹) و بر خلاف هاشمی‌پور (۱۹۸۹)، مواردی را مطرح می‌کند که به موجب آنها، با تغییر در جایگاه فعل و فاعل در جملات پرسشی آری - نه، فعل در جایگاه ماقبل فاعل قرار می‌گیرد. با این حال، او این تغییر را ناشی از حرکت فاعل به جایگاه بعد از فعل تلقی می‌کند:

(۳) ساناز کتاب رو خونند؟

(۴) کتاب رو خونند ساناز؟

او در تأیید ادعای خود، جمله‌ای مانند (۴) را ذکر می‌کند که در دربردارنده یک مفعول مستقیم است و استدلال می‌کند که ترتیب مفعول مستقیم و فعل با توالی این دو عنصر در مثال (۳) یکسان است.

او معتقد است که بر خلاف زبان فرانسه که حرکت هر گونه فعل واژگانی و کمکی و نیز انگلیسی که حرکت فعل کمکی را از جایگاه هسته زمان به جایگاه هسته متمم‌نما مجاز می‌شمارند، فارسی فاقد حرکت فعل اصلی و کمکی به هسته گروه متمم‌نما است. او فقدان چنین حرکتی در فارسی را ناشی از دو فرضیه می‌داند: عدم وجود گروه متمم‌نما یا عدم دسترسی هسته زمان به هسته متمم‌نما در این زبان، و آنگاه به دلیل وجود عنصر متمم‌نما «که»، فرضیه نخست را مطرود اعلام می‌کند (رقیب‌دوست، ۱۹۹۳: ۶).

کریمی (۱۹۹۴: ۵۵) پیش‌گذاری فعل در بندهای اصلی فارسی را امری مجاز تلقی کرده و جایگاه سازه فعلی پیش‌گذاری‌شده را هسته گروه متمم‌نما در نظر می‌گیرد

^۱. complementizer phrase (CP)

^۲. focus phrase (FocusP)

^۳. [Q]

(مثال‌های ۵-۶). با این حال، او معتقد است که فرایند پیش‌گذاری فعل در جملات درونه‌ای، ساختی نادستوری به دست می‌دهد و اظهار نظر می‌کند که این محدودیت در جملات درونه‌ای در مورد کلیه زبان‌های جهان کمابیش صادق است (مثال ۷):

(5) **gereft-æm** mæn ketab-o

(6) **xærid** sepide ketab-o bærat

(7) a. [NP in mozu [COMP ke [S ramin un mæqalæ-ro bæra ruzname **nevešte-bud**]]] sehæt næ-dar-e

b. * [NP in mozu [S' ke [S **nevešte-bud** ramin un mæqalæ-ro bæra ruzname]]] sehæt næ-dar-e (کریمی، ۱۹۹۴: ۵۶-۵۵)

کریمی (۲۰۰۱) معتقد است که حرکت فعل به ابتدای جمله نه تنها تحت تأثیر مشخصه [تأکید] صورت می‌گیرد (مثال ۸)، بلکه جملات پرسشی آری - نه نیز ممکن است انگیزه لازم به منظور جابجایی این سازه به جایگاه آغازین جمله را فراهم سازند (مثال ۹). با این حال، او نوع مشخصه دخیل در این جابجایی و جایگاه فرود سازه فعلی حرکت داده‌شده را تشریح نساخته است:

(8) AMAD Kimea!

(9) Amad Kimea? (کریمی، ۲۰۰۱: ۳۴)

درزی و انوشه (۱۳۸۹) استدلال می‌کنند که در زبان فعل پایانی فارسی، هسته گروه فعلی در مرحله‌ای از اشتقاق نحوی، به دلیل برخورداری از مشخصه تصریف قوی، از درون گروه فعلی کوچک (= گروه فعلی پوسته‌ای / لایه‌ای) خارج می‌شود و به هسته گروه زمان یا نمود کامل می‌پیوندد.

انوشه (۱۳۸۹) ضمن ارائه تحلیلی همگون از انگیزه حرکت سازه‌های مؤکد و مبتدأ شده و نیز چرایی اختیاری بودن جابجایی آنها در اشتقاق نحوی، ابراز می‌دارد که حضور یا غیبت گروه‌های نقش‌نمای تأکید و مبتدا که خود متأثر از انگیزه‌های کلامی است، دلیل اختیار بودن جابجایی‌های مورد نظر است.

لذا، در این مقاله می‌کوشیم تا این موضوع را از منظری متفاوت بررسی کرده، تبیینی جامع در چارچوب برنامه کمینه‌گرا در زمینه پیش‌گذاری فعل در بندهای اصلی و درونه‌ای ارائه نماییم. بدین منظور، نخست به بررسی سازه جابجاشده در ساخت‌هایی مانند (۲) می‌پردازیم که در آنها، فعل در جایگاه قبل از فاعل قرار گرفته است.

۳- سازه جابجاشده

در این بخش با ارائه دلایلی چند به ردّ این فرضیه رقیب‌دوست (۱۹۹۳) می‌پردازیم که در جملاتی مانند مثال (۲)، فعل دستخوش هیچ تغییری نمی‌شود، بلکه در مقابل، این فاعل است که با عبور از فراز فعل، به انتهای جمله می‌رود.

نخستین دلیل آن است که در حالی که حرکت سازه به ابتدای جمله در زبان‌های مختلف دارای انگیزه‌های مشخص از جمله یافتن خوانش مبتدا^۱ و تأکید^۲ است، در جملاتی مانند مثال‌های زیر، انگیزه واقعی حرکت سازه فاعل به انتهای جمله در چارچوب برنامه کمینه‌گرا نامشخص است:

(۱۰) صحبت کرد با مدیرش، احمد؟

(۱۱) خرید خونه رو، بابات؟

به علاوه، چنانچه در جمله‌ای مانند جمله (۱۰)، قائل به حرکت فاعل به جایگاه بعد از فعل شویم، باید چنین حرکتی را برای گروه حرف اضافه نیز در نظر بگیریم، و با توجه به این امر که فارسی، زبانی دارای قلب نحوی است که حرکت سازه‌های مختلف جمله به جایگاه آغازین جمله را مجاز می‌شمارد (کریمی، ۲۰۰۳، ۲۰۰۵)، یافتن انگیزه این جابجایی قدری نامأنوس می‌نماید. همچنین، آنچه واقعیت را پیچیده‌تر می‌سازد تبیین انگیزه جابجایی برای جملاتی است که در آنها تعداد سازه‌های بیشتری دستخوش تغییر و جابجایی می‌شوند:

(۱۲) خرید دیروز خونه رو از املاکی، امیر؟

علاوه بر این، ساخت‌هایی مانند پرسش‌های آری - نه وجود دارند که در آنها یک یا چند سازه مختلف با انگیزه‌های متفاوتی نظیر مبتدashedگی^۳ و تأکیدشدگی^۴ به ابتدای جمله حرکت می‌کنند، این در حالی است که سایر سازه‌های جمله در جایگاه اولیه خود ثابت می‌مانند:

(۱۳) الف. امیر دیروز خونه رو از املاکی خرید؟

ب. امیر، [— دیروز خونه رو از املاکی خرید؟

پ. دیروز، [امیر — خونه رو از املاکی خرید؟

1. topic

2. focus

3. topicalization

4. focalization

- ت. خونه رو، [امیر دیروز — از املاکی خرید؟
ث. از املاکی، [امیر دیروز خونه رو — خرید؟
ج. خرید [امیر دیروز خونه رو از املاکی — ؟
چ. دیروز خرید خونه رو، [امیر — — از املاکی — ؟
ح. خرید خونه رو دیروز، [امیر — — از املاکی — ؟
خ. از املاکی خرید دیروز، [امیر — خونه رو — ؟
د. خرید از املاکی خونه رو دیروز، [امیر — — — ؟

با دقت در جملات فوق می‌توان دریافت که بر طبق معیارهای تشخیص ریتزی (۱۹۹۷)، سازه‌های مختلف جمله را می‌توان تحت فرایند مبتدashedگی به ابتدای جمله جابجا نمود و آنها را از سایر بخش‌های جمله جدا کرد. همان‌گونه که مشخص است، در جملات (۱۹-ب-ث)، وجود کاما و مکث پس از سازه‌های مبتدashedگی الزامی است. این در حالی است که در جمله (۱۳-ج)، که صرفاً عنصر فعلی قبل از فاعل و سایر اجزای جمله قرار گرفته است، به طور معمول وجود کاما و مکث پس از فعل به منظور فراهم نمودن خوانش پرسشی ضروری نیست.

در جملات (۱۳-ج-د)، سازه فعلی به همراه سازه‌های دیگر با عبور از فراز فاعل به ابتدای جمله منتقل شده است. تعدد وجود سازه‌های پیش‌گذاری شده حاکی است که این عناصر تحت فرایند مبتدashedگی، و نه تأکیدشدگی، به ابتدای جمله منتقل شده‌اند، زیرا به پیروی از کریمی (۲۰۰۵) این فرض را می‌پذیریم که در فارسی، صرفاً یکی از عناصر پیش‌گذاری شده می‌تواند نقش تأکید را ایفا نماید، و این تأکید نیز از نوع تقابلی است. این در حالی است که، به لحاظ نظری، هیچ‌گونه محدودیتی بر تعداد سازه‌های مبتدashedگی در این زبان وجود ندارد. ضمناً اجباری بودن حضور مکث یا کاما بعد از عناصر پیش‌گذاری شده در جملات (۱۳-ج-د) نیز دال بر وجود مبتدashedگی در این ساخت‌ها است، چرا که این مکث و کاما بعد از عناصر پیش‌گذاری شده در جملات (۱۳-ب-ث) نیز ضروری است.

مثال‌های فوق، ضمن اینکه نشان می‌دهد سازه‌های جابجاشده به ابتدای جمله حرکت می‌کنند تا خوانش نقشی بپذیرند، ماهیت متفاوت فعل نسبت به سایر عناصر پیش‌گذاری شده را نیز آشکار می‌سازد، چرا که فعل همواره دارای تأکید نسبی است. دقت در این جملات نشان می‌دهد که حتی در صورت جابجایی ترتیب عناصر

پیش‌گذاری شده (مثال‌های ۱۳-چ-خ)، این سازه فعلی است که همواره به صورت مؤکد تلفظ می‌شود. لذا، این واقعیت را می‌توان حاکی از آن دانست که فعل از ماهیت جداگانه‌ای نسبت به سایر عناصر پیش‌گذاری شده برخوردار است.

سرانجام، دلیلی دیگر برگرفته از افعال مرکب است. خوش‌ساختی جمله‌هایی که در آنها جزء غیرفعلی به همراه جزء فعل سبک در جایگاه قبل از فاعل قرار گرفته از یک سو (۱۴الف و ۱۵الف) و غیردستوری بودن ساخت‌هایی که در آنها جزء فعل سبک در جایگاه قبل از فاعل و جزء غیرفعلی در جایگاه بعد از مفعول واقع شده است (۱۴ب و ۱۵ب) مبین این حقیقت است که جایگاه بعد از مفعول، جایگاه اصلی سازه فعلی مرکب بوده است، چرا که این جایگاه، جایگاه بی‌نشان فعل در فارسی را تشکیل می‌دهد:

(۱۴) الف. تهدید کرد [علی رضا رو - -] ؟

ب. * کرد [علی رضا رو تهدید -] ؟

(۱۵) الف. صدا زد [کسی من رو صدا - -] ؟

ب. * زد [کسی من رو صدا -] ؟

بنابراین، در این بخش با ارائه استدلال‌هایی چند نشان دادیم که در ساخت‌های پرسشی آری - نه که ترتیب فعل و فاعل دستخوش تغییر شده، این فعل است که ضمن تولید در جایگاه بی‌نشان خود در جایگاه بعد از مفعول به ابتدای جمله حرکت می‌کند. بنابراین، پس از تعیین فعل به عنوان سازه‌ای که دستخوش جابجایی می‌شود، در بخش بعد می‌کوشیم تا جایگاه فرود این سازه در جایگاه آغازین جمله را تبیین نماییم.

۴- تبیین جایگاه فرود فعل

در این بخش، نخست دلائل و شواهدی در جهت ردِ در دسترس بودنِ گروه متمم‌نما به عنوان جایگاه فرود فعل پیش‌گذاری شده ارائه می‌گردد، سپس استدلال‌هایی مبنی بر مناسب بودن هسته گروه تأکید به عنوان جایگاه مقصد مناسب ارائه می‌شود و در ادامه، شیوه بازبینی مشخصه پرسشی موجود در هسته گروه متمم‌نما مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱- گروه متمم‌نما به عنوان جایگاه فرود

کریمی (۱۹۹۴: ۵۶) جایگاه فرود فعل پیش‌گذاری شده در جملات اصلی را هسته فرافکن گروه متمم‌نما در نظر می‌گیرد و در عین حال، رخداد این فرایند در بندهای

دروانه‌ای را غیرممکن می‌داند. او غیردستوری بودن ساخت‌های اخیر را ناشی از این واقعیت می‌داند که در بندهای درونه‌ای، جایگاه هسته گروه متمم‌نما به وسیله عنصر متمم‌نمای «که» اشغال شده است (مثال‌های ۷-۵). اما پیش از ارائه شواهد خود در این بحث در راستای ردّ گروه متمم‌نما به عنوان جایگاه فرود فعل پیش‌گذاری شده، لازم است ذکر کنیم که کریمی (۱۹۹۴: ۵۶) میان پیش‌گذاری فعل در جملاتی که بند درونه‌ای در آنها متمم گروه اسمی پیچیده^۱ است (مانند مثال 7b) نسبت به جملاتی که بند درونه‌ای در آنها متمم فعل در بند اصلی محسوب می‌شود، تمایز قائل شده و آنها را به ترتیب بدساخت و خوش‌ساخت تلقی کرده است. اما دقت در مثال (7b) و داده‌های دیگری از این نوع (مثال ۱۸-۱۶) نشان می‌دهد که پیش‌گذاری فعل در بندهای متمم گروه اسمی پیچیده نیز منجر به تولید جملاتی خوش‌ساخت می‌شود:

(۱۶) این مسأله [که خونده بودن اونا درس رو یا نه،] جای بحث داره.

(۱۷) این حرف [که تبنانی کردن این دو تیم با هم یا نه،] به ما مربوط نیست.

در جملات (۱۶-۱۷)، ساخت‌های درون قلاب که جملاتی درونه‌ای هستند، متمم گروه‌های اسمی پیش از خود به شمار می‌روند. در این ساخت‌ها، فعل به صورت مؤکد بوده و جمله دارای خوانش پرسشی آری - نه است که در آن فعل قبل از فاعل قرار گرفته است. بنابراین، پیش‌گذاری فعل در جملاتی از این دست که بند درونه‌ای در آنها متمم گروه اسمی پیچیده محسوب می‌شود نیز امکان‌پذیر است. در واقع، علیرغم این که جایگاه هسته گروه متمم‌نما در بندهای درونه‌ای به وسیله عنصر «که» اشغال شده است، این واقعیت را نباید دلیلی مبنی بر این حقیقت دانست که چنین بندهایی فاقد عنصر پیش‌گذاری شده فعلی می‌باشند. لذا، بر خلاف ادعای کریمی (۱۹۹۴)، به نظر می‌رسد که فرایند پیش‌گذاری فعل هم در بند اصلی و هم در بند درونه‌ای قابل مشاهده است و بنابراین لازم است که با ارائه تحلیلی متفاوت از این فرایند از یک منظر مشترک، به تبیینی جامع در این زمینه دست یافت.

به عنوان شاهد نخست، جایگاه «هسته» گروه متمم‌نما را نمی‌توان جایگاه فرود فعل پیش‌گذاری شده در جملات درونه‌ای تلقی کرد، زیرا به پیروی از کریمی (۱۹۹۴) و رقیب‌دوست (۱۹۹۳)، می‌پذیریم که هسته این گروه به وسیله عنصر متمم‌نمای «که»

^۱. complex noun phrase

اشغال شده است و بنابراین، قرار گرفتن عنصر دیگری مانند فعل در این جایگاه عملاً منتفی خواهد بود:

(۱۸) فکر میکنی که بیاد علی؟

(۱۹) تو حدس میزنی که قبول بشه سارا؟

به عنوان شاهد دوم، جایگاه «مشخص‌گر» گروه متمم‌نما نیز جایگاه مناسبی برای فعل پیش‌گذاری شده در فارسی نیست، زیرا از یک طرف، توجیه خاصی به منظور حرکت فعل از جایگاه هسته به مشخص‌گر در فارسی وجود ندارد، و از آنجا که جایگاه خروج فعل واژگانی در فارسی، هسته گروه فعل کوچک می‌باشد، بنابراین انتظار می‌رود که این فعل تحت فرایند حرکت هسته به هسته به گروهی در دامنه متمم‌نما منتقل شود. از طرف دیگر، هسته گروه متمم‌نما جایگاه عنصر «که» است و بنابراین فعل پیش‌گذاری شده نمی‌تواند در جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نما که قبل از عنصر «که» که در هسته این گروه واقع است، قرار بگیرد.

به عنوان شاهد سوم، وجود عنصر «آیا» بعد از «که» متمم‌نمای آشکار یا پنهان می‌تواند دلیلی باشد مبنی بر این که فعل پیش‌گذاری شده در جایگاه دیگری به غیر از جایگاه هسته گروه متمم‌نما و نیز مشخص‌گر این گروه است:

(۲۰) پرسید که (آیا) برگشته باباش از مسافرت، یا نه؟

(۲۱) سوالی که پیش میاد اینه که (آیا) تموم میشه پروژه به موقع، یا نه؟

(۲۲) مطمئن نبود که (آیا) می‌مونه اونا، یا برمی‌گردن؟

کهنمویی‌پور (۲۰۰۱) استفاده از عنصر «آیا» را، که به طور اختیاری در جملات پرسشی آری - نه مورد استفاده قرار می‌گیرد، عمدتاً خاص سبک فارسی رسمی به ویژه نوشتار تلقی می‌کند. اگرچه جایگاه کلاسیک این عنصر در فارسی در هسته گروه متمم‌نما قلمداد شده است، با این حال اشغال این جایگاه توسط «که» متمم‌نما در جملاتی که عنصر «که» و «آیا» ممکن است به طور همزمان در جمله ظهور یابند خود دلیلی است مبنی بر این که عنصر پرسشی «آیا» به جایگاه دیگری پایین‌تر از جایگاه هسته گروه متمم‌نما تعلق دارد.

همچنین، دقت در جملات فوق نشان می‌دهد در حالی که ترتیب «که آیا» منجر به ایجاد ساختی دستوری می‌شود، توالی «آیا که» ساختی نامأنوس، اگر نگوییم نادرستی، به دست می‌دهد:

(۲۳)؟؟ پرسید (آیا) که برگشته باباش از مسافرت، یا نه؟

(۲۴)؟؟ سوالی که پیش میاد اینه (آیا) که تموم میشه پروژه به موقع، یا نه؟

(۲۵)؟؟ مطمئن نبود (آیا) که می‌مونن اونا، یا برمی‌گردن؟

جملات بالا نشان می‌دهد که جایگاه «آیا» باید از جایگاه «که» پایین‌تر باشد، و از آنجا که عنصر «که» در هسته متمم‌نما قرار دارد، بنابراین باید پذیرفت که جایگاه گروه مربوط به «آیا» نیز از جایگاه گروه متمم‌نما پایین‌تر است. اگرچه جایگاه این عنصر به طور جدی در فارسی مورد بررسی قرار نگرفته، رقیب‌دوست (۱۹۹۳) این عنصر را عنصری وجه‌نما در فارسی می‌داند و جایگاه آن را در هسته گروه وجه^۱ در نظر می‌گیرد. بررسی دقیق این موضوع در مقاله حاضر نمی‌گنجد، با این حال در حال حاضر به پیروی از رقیب‌دوست (۱۹۹۳) این فرض می‌پذیریم که عنصر «آیا» در هسته گروه وجه واقع است.

بنابراین، از آنجا که با بررسی جملات (۲۳-۲۵) به این نتیجه رسیدیم که عنصر «آیا» در ساخت‌های درونه‌ای در جایگاهی پایین‌تر از جایگاه گروه متمم‌نما قرار دارد، می‌توان دامنه این نتیجه‌گیری را به کاربرد «آیا» در جملات اصلی نیز تعمیم داد:

(۲۶) (آیا) برگشته باباش از مسافرت، یا نه؟

(۲۷) (آیا) تموم میشه پروژه به موقع، یا نه؟

(۲۸) (آیا) می‌مونن اونا، یا برمی‌گردن؟

دقت در جملات پرسشی آری - نه فوق نشان می‌دهد که عنصر «آیا» به طور اختیاری در آغاز بندهای اصلی قرار گرفته است. گفتنی است علیرغم این که جایگاه بی‌نشان «آیا» در بندهای اصلی در آغاز جمله است، در سایر جایگاه‌ها نیز ظاهر می‌شود (مثال ۲۹). در عین حال، کاربرد عنصر «آیا» صرفاً در جایگاه قبل از متمم‌نمای «که» است که ساختی نادستوری تولید می‌کند. این نکته دلیلی است مبنی بر این که در بندهای اصلی نیز جایگاه «آیا» در ساخت سلسله‌مراتبی جمله پایین‌تر از جایگاه عنصر متمم‌نمای «که» است، و از آنجا که عنصر متمم‌نمای «که» در هسته گروه متمم‌نما قرار دارد، لذا جایگاه عنصر «آیا» پایین‌تر از گروه متمم‌نما است.

(۲۹)؟؟ پرسید* (آیا) که (آیا) برگشته (آیا) باباش (آیا) از مسافرت (آیا)، یا نه؟

^۱. mood phrase (MoodP)

بنابراین، با توجه به شواهد فوق می‌توان نتیجه گرفت که جایگاه فرود فعل پیش‌گذاری شده در جایگاه دیگری به غیر از جایگاه هسته گروه متمم‌نما و نیز مشخص‌گر این گروه است. این یافته، ادعای کریمی (۱۹۹۴) را مبنی بر این که هسته گروه متمم‌نما جایگاه فرود فعل پیش‌گذاری شده (در جملات اصلی) است، رد می‌کند. حال چنانچه به پیروی از انوشه (۱۳۸۹)، فاعل را در مشخص‌گر گروه زمان تلقی کنیم، این جایگاه می‌تواند در تعیین جایگاه فعل پیش‌گذاری شده کمک‌کننده باشد:

(۳۰) خریدی [IP علی t_i I] خونه‌رو؟

(۳۱) فکر می‌کنی که اومده [IP سارا I] ؟

در جملات اصلی و درونه‌ای فوق، فعل دستخوش تغییر شده و به جایگاهی بالاتر از فاعل ارتقا پیدا کرده است و در عین حال، فاعل نیز به صورت آشکار در جمله حضور دارد، که نتیجه اجتناب‌ناپذیر جملاتی از نوع (۳۰-۳۱) آن است که جایگاه فرود فعل پیش‌گذاری شده باید بالاتر از هسته (و نیز مشخص‌گر) گروه زمان باشد. بنابراین، با توجه به این پیش‌فرض و نیز شواهد فوق مبنی بر در دسترس نبودن گروه متمم‌نما برای حرکت فعل پیش‌گذاری شده، جایگاه فرود این سازه را پایین‌تر از فرافکن گروه متمم‌نما و بالاتر از فرافکن گروه زمان در ساخت سلسله‌مراتب دستوری جمله در نظر گرفتیم. لذا، اکنون باید به بررسی فرافکن‌های نقشی دیگری بپردازیم که به صورت بالقوه می‌توانند پذیرای فعل پیش‌گذاری شده باشند. یکی از جایگاه‌های محتمل دیگر به عنوان جایگاه فرود فعل پیش‌گذاری شده، فرافکن تأکید است.

۴-۲- گروه تأکید به عنوان جایگاه فرود

در این بخش، دلایلی را در حمایت از این فرضیه مطرح می‌کنیم که جایگاه فرود فعل پیش‌گذاری شده در جملات پرسشی آری - نه در هسته گروه تأکید است. نخست آنکه، در مقایسه با جمله (۳۲) که سازه فعلی تحت فرایند مبتدأشدگی به آغاز جمله جابجا شده و فاقد هر گونه تأکید خاص است، جملات (۳۳) و (۳۴) از یک جهت مشترک‌اند و آن وجود برجستگی تأکیدی بر روی فعل در این دو جمله است. در جمله (۳۳) فعل تحت فرایند تأکیدشدگی به آغاز جمله جابجا شده و جمله پرسشی آری - نه (۳۴)، حاوی فعل پیش‌گذاری شده است. در واقع، علیرغم اینکه جمله (۳۳) خبری و جمله (۳۴) پرسشی است، با این حال وجود تأکید تقابلی بر روی فعل در هر

دو مشهود است. درست همین ویژگی است که این افعال را در تمایز با یک فعل دیگر قرار می‌دهد و ممکن است رخداد آنها در یک جایگاه واحد در ساخت سلسله‌مراتب دستوری جمله را توجیه نماید، چرا که به پیروی از کریمی (۲۰۰۵؛ ۲۰۰۳)، این فرض را می‌پذیریم که جابجایی سازه به جایگاه آغازین جمله با هدف پیداکردن خوانش تأکید لزوماً متضمن پذیرش تأکید تقابلی (در مقابل تأکید درجای خود) است. همانگونه که از جملات زیر مشخص است، در توزیع تکمیلی بودن فعل در جملات (۳۳) و (۳۴) نیز خود دلیلی بر وجود خوانش تأکید در این جملات است:

(۳۲) بسته شد، حسابم.

(۳۳) خریدم من، نفروختم!

(۳۴) الف. رفت سارا؟ (ب- نه، موند).

بنابراین، تأکید نسبی فعل پیش‌گذاری شده در جملات (۳۳) و (۳۴) دال بر وجود شباهت رفتاری فعل در این دو ساخت است، و از آنجا که در جمله (۳۳)، فعل مؤکد در جایگاه هسته گروه تأکید قرار دارد، لذا نتیجه می‌گیریم که فعل پیش‌گذاری شده در جمله پرسشی آری - نه (۳۴) نیز می‌تواند به جایگاه هسته گروه تأکید حرکت کند. قدر مسلم، ویژگی تأکید نسبی، فعل پیش‌گذاری شده در جمله پرسشی آری - نه (۳۴) را از فعل پیش‌گذاری شده در ساخت مبتدأ شده (۳۳) نیز متمایز کرده و فرود آن در جایگاه گروه مبتدأ^۱ را منتفی می‌نماید.

دومین استدلال برای تبیین پیش‌گذاری فعل در جملات پرسشی آری - نه به عنوان نوعی تأکید و در توجیه قرارگرفتن آن در هسته گروه تأکید، افزودن آشکار یا تلویحی عبارت تقابلی «یا نه» در انتهای همه جملات پرسشی آری - نه منفی است. این عبارت ضمن همتراز بودن با فعل پیش‌گذاری شده به لحاظ برخوردار از تأکید تقابلی، تبیین‌گر دو شقی بودن پاسخی است که از مخاطب انتظار می‌رود ارائه نماید:

(۳۵) قبول شد خواهرت، یا نه؟

(۳۶) آماده شد سفارش ما، یا نه؟

در همین زمینه، رقیب‌دوست (۱۹۹۳: ۱۴) عبارت «یا نه» را سازوکاری برای بیان مفهوم تقابل دو چیز تلقی می‌کند که رخداد آن به جملات پرسشی آری - نه منفی بوده و از این رو، متضمن تأکید بیشتر در جمله است. بنابراین، کاربرد عبارت «یا نه» به

^۱. topic phrase (TopicP)

صورت آشکار یا غیرآشکار به عنوان ابزاری برای بیان مفهوم جایگزینی یا تقابل در جملات پرسشی آری - نه منفی می‌تواند دال بر مؤکدبودن فعل پیش‌گذاری شده در این ساخت‌ها و نیز انتساب هستهٔ فرافکن نقشی گروه تأکید به عنوان جایگاه فرود آن است. سومین استدلال در این زمینه، غیردستوری بودن ساخت‌هایی است که در آنها عناصر پرسشواژه‌ای موضوعی در جایگاه بعد از فعل پیش‌گذاری شده قرار می‌گیرند. از آنجا که، به پیروی از کریمی (۲۰۰۵) و کریمی و طالقانی (۲۰۰۷)، عناصر پرسشواژه‌ای موضوعی نظیر «کی» (= چه کسی) و «کدام» در جایگاه مشخص‌گر گروه تأکید قرار دارد، لذا ساختی نظیر جملهٔ زیر نشان می‌دهد که فعل پیش‌گذاری شده باید به جایگاهی پایین‌تر از جایگاه مشخص‌گر گروه تأکید تعلق داشته باشد:

(۳۷) خرید کدوم خونه رو [P] بابات ؟

(۳۸) خوندی کدوم کتابو [P] تو ؟

در جملات فوق، علاوه بر فعل، عناصر پرسشواژه‌ای نیز از تأکید برخوردارند. مثال‌هایی از این دست، این سازه را به جایگاهی پایین‌تر منتسب می‌دانند، زیرا در حالی که قرار گرفتن فعل پیش‌گذاری شده قبل از عناصر پرسشواژه‌ای در جملات فوق به تولید ساختی نادرستی می‌انجامد، تغییر این توالی ساخت‌هایی دستوری به دست می‌دهد:

(۳۹) کدوم خونه رو خرید [P] بابات ؟

(۴۰) کدوم کتابو خوندی [P] تو ؟

چنانچه، به پیروی از کریمی (۲۰۰۵) و کریمی و طالقانی (۲۰۰۷)، بپذیریم که عناصر پرسشواژه‌ای در جایگاه مشخص‌گر گروه تأکید قرار دارند، مقایسهٔ این دو گروه از جملات نشان می‌دهد که فعل پیش‌گذاری شده باید بالاتر از مشخص‌گر گروه زمان و پایین‌تر از مشخص‌گر گروه تأکید باشد.

استدلال دیگر برگرفته از ارتقای فعل به جایگاه هستهٔ گروه تأکید در ساخت‌های دارای گروه اسمی پیچیده^۱ است. کریمی (۲۰۰۱) با الگوگیری از نظریهٔ ارتقای فعل کین^۲ (۱۹۹۴)، این ایده را مطرح می‌سازد که در ساخت‌های دارای گروه اسمی پیچیده در درون بندهای درونه‌ای، گروه اسمی پیچیده تحت تأثیر مشخصهٔ تأکید به جایگاه

^۱. complex DPs

^۲. Kayne

مشخص‌گر فرافکن نقشی تأکید حرکت می‌کند و بند متمم خود را، که یک بند متمم‌نما است، در جایگاه بعد از فعل بر جای می‌گذارد. در ادامه، فعل نیز به جایگاه هسته گروه تأکید منضم می‌شود:

(41) Hame [FP [in edde'a -ro]_i [FMI-PAZIR-AN]_k] [K^SP t_i [DP t_i [CP ke Ramin bigonah-e]]] t_k. (کریمی، ۲۰۰۱: ۳۴).

کریمی (۲۰۰۱) رخداد چنین حرکتی را ناشی از این امر می‌داند که در فارسی، حرکت تحت مشخصه‌های نقشی - کلامی صورت می‌پذیرد. از این نظر، سازه فعلی در این زبان نیز از این قابلیت برخوردار است تا تحت تأثیر مشخصه تأکید موجود بر روی هسته گروه تأکید به این جایگاه جابجا شود تا خوانش تأکیدی برای جمله فراهم سازد. از سوی دیگر، همانگونه که در بخش (۲) ذکر گردید، درزی و انوشه (۱۳۸۹) قائل به نوعی مشخصه تصریف قوی برای فعل اصلی در فارسی می‌باشند و بر این اساس، استدلال می‌کنند که همانند زبانی مانند فرانسه، فعل در فارسی باید با حرکت به جایگاه گروه زمان، مشخصه خود را بازبینی نماید. نیز آن‌که، در بالا دلائلی مبنی بر تشابه رفتار فعل پیش‌گذاری شده و سازه فعلی مؤکد در فارسی ذکر گردید، که در این مقاله این وجه اشتراک را با مشخصه [تأکید] نشان می‌دهیم. از این رو، با تعمیم یافته درزی و انوشه (۱۳۸۹) و نیز مشاهده رفتار مشابه فعل در جملات دارای فعل پیش‌گذاری شده مؤکد (کریمی، ۲۰۰۱) با جملات پرسشی آری - نه، نتیجه می‌گیریم که فعل پیش‌گذاری شده در جملات دارای تأکید و نیز جملات پرسشی آری - نه در فارسی دارای یک مشخصه تعبیرناپذیر [تأکید] است که باید به عنوان جستجوگر، آن را با مشخصه متناظر تعبیرپذیر مقصد بازبینی و ارزش‌گذاری نماید، و هسته گروه تأکید میزبان این جفت متناظر تعبیرپذیر است.

بنابراین، در این بخش با ارائه شواهدی چند نشان دادیم که هسته گروه تأکید میزبان فعل پیش‌گذاری شده در جملات پرسشی آری - نه در فارسی است. در بخش بعد، شیوه بازبینی مشخصه [پرسشی] بر روی فعل پیش‌گذاری شده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۲-۱- بازبینی مشخصه پرسشی

فعل پیش‌گذاری شده در ساخت‌های پرسشی آری - نه علاوه بر برخوردار بودن از مشخصه تعبیرناپذیر [تأکید]، به دلیل پرسشی بودن جمله، حاوی یک مشخصه تعبیرناپذیر

[پرسشی] نیز می‌باشد که باید آن را با جفت متناظر تعبیرپذیر [پرسشی] موجود در هسته یکی از گروه‌های نقشی بازبینی و ارزشگذاری نماید. از آنجا که هسته گروه متمم‌نا حاوی این جفت تعبیرپذیر [پرسشی] است، لذا این مشخصه باید با عملگر پرسشی موجود در جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نا در رابطه مشخص‌گر - هسته شرکت کند تا بازبینی شود. از آنجا که در فارسی، هیچ عنصر واژگانی آشکار در جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌نا جملات پرسشی آری - نه قرار نمی‌گیرد، می‌پذیریم که عملگر پرسشی در این جایگاه از نوع تهی است.

اما همانگونه که در بالا ذکر گردید، هسته گروه متمم‌نا در بندهای درونه‌ای به وسیله عنصر «که» متمم‌نا اشغال شده است، که از فرود فعل در آن جایگاه ممانعت به عمل می‌آورد. از دیگر سو، دسترسی به هسته گروه متمم‌نا در بندهای اصلی نیز به دلیل رخداد عنصر «آیا» در جایگاه بلافصل ماقبل فعل پیش‌گذاری شده در ابتدای جملات پرسشی آری - نه برای سازه فعلی پیش‌گذاری شده امکان‌پذیر نیست. بنابراین، لازم است سازوکاری پیشنهاد شود که ضمن فرود فعل پیش‌گذاری شده در جایگاه هسته گروه تأکید، مشخصه [- پرسشی] موجود بر روی آن بازبینی شده و خوانش پرسشی جمله فراهم گردد.

در این مقاله، با الگوگیری از فرضیه سی‌بل^۱ (۲۰۰۰) مبنی بر حرکت آشکار پرسشواژه‌ها به جایگاه آغازین جمله تحت تأثیر همزمان مشخصه [+ تأکید] و [+استفهام] در زبان‌هایی مانند مالی^۲، باهاسا اندونزی^۳ و کیکویو^۴، می‌پذیریم که پیش‌گذاری فعل در جملات پرسشی آری - نه فارسی نیز به منظور بازبینی توأمان مشخصه‌های تعبیرپذیر [تأکید] و [پرسشی] صورت می‌گیرد.

اما پس از فرود فعل در جایگاه هسته گروه تأکید و بازبینی مشخصه [- تأکید] موجود بر روی آن در رابطه مشخص‌گر - هسته با مشخصه تعبیرپذیر [+ تأکید] بر روی عملگر تهی تأکید در مشخص‌گر این گروه، همچنان مشخصه تعبیرناپذیر [پرسشی] به صورت بازبینی نشده باقی می‌ماند که باید حذف شود. از این رو، به پیروی از (هورنستاین و دیگران، ۲۰۰۵: ۲۱)، این فرض را می‌پذیریم که مشخصه [- پرسشی] موجود بر روی

1. Sabel

2. Malay

3. Bahasa Indonesia

4. Kikuyu

فعل - و نه خود فعل - به عنوان جستجوگر با جفت متناظر تعبیرپذیر [پرسشی] به عنوان مقصد در جایگاه هسته گروه متمم‌نما مطابقت ایجاد کرده و از این رهگذر، ضمن ارزش‌گذاری مشخصه تعبیرناپذیر [پرسشی] بر روی فعل، تعبیر پرسشی مربوط به جمله پرسشی آری - نه را نیز فراهم می‌شود. عدم تحقق مطابقت اخیر، تعبیر پرسشی جمله را به دست نمی‌دهد. از این رو، هسته گروه متمم‌نما، جایگاه فرود مشخصه [پرسشی] و هسته گروه تأکید، جایگاه فرود سازه فعلی پیش‌گذاری شده در جملات پرسشی آری - نه در فارسی است.

۵- نتیجه

در این مقاله، فرایند پیش‌گذاری فعل در جملات پرسشی دوقطبی آری - نه در زبان فارسی در چارچوب برنامه برنامه کمینه‌گرای چامسکی (۱۹۹۵؛ ۲۰۰۱a-b) مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور، نخست بر خلاف رقیب‌دوست (۱۹۹۳)، با ارائه شواهدی چند نشان دادیم که ساخت‌های دارای فعل در جایگاه آغازین جملات پرسشی آری - نه در فارسی حاصل فرایند پیش‌گذاری فعل و نه خروج فاعل‌اند. سپس، استدلال نمودیم که هسته گروه متمم‌نما محل فرود فعل حرکت داده شده نیست. در ادامه، نشان دادیم که هسته گروه تأکید میزبان فعل پیش‌گذاری شده در جملات پرسشی آری - نه در فارسی است. و سرانجام، پیشنهاد کردیم که مشخصه تعبیرناپذیر [پرسشی] بر روی فعل پیش‌گذاری شده به عنوان جستجوگر تحت فرایند مطابقت به وسیله مشخصه متناظر تعبیرپذیر [پرسشی] بر روی هسته گروه متمم‌نما به عنوان مقصد، بازبینی و ارزش‌گذاری شده و از این رهگذر، تعبیر پرسشی جمله فراهم می‌گردد.

منابع

- انوشه، مزدک (۱۳۸۹). رویکردی مشخصه بنیاد به فرایندهای مبتداسازی و تأکید در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبانی*، دوره اول، شماره اول، ۲۸-۱.
- درزی، علی و مزدک انوشه (۱۳۸۹). حرکت فعل اصلی در فارسی: رویکردی کمینه‌گرا. *دوفصلنامه زبان پژوهی*، سال دوم، شماره سوم، ۵۵-۲۱.
- Chomsky, N. 1995. *The minimalist program*, Cambridge, MIT Press.
- Chomsky, N. 2001a. Beyond explanatory adequacy, *MIT occasional papers in Linguistics* (20. 1-28), Cambridge: MIT Press.
- Chomsky, N. 2001b. Derivation by phase, In M. Kenstowicz (ed.), *Ken Hale: A life in language* (1-52), Cambridge: MIT Press.

- Hashemipour, M.M. 1989. *Pronominalization and control in modern Persian*. Doctoral dissertation, University Of California: San Diego.
- Hornstein, N., J. Nunes, and K. K. Grohmann. 2005. *Understanding minimalism*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Karimi, S. 1989. *Aspects of Persian syntax, specificity, and the theory of grammar*. Doctoral dissertation, University of Washington: Seattle.
- Karimi, S. 1994. Word order variations in modern contemporary Persian, In M. Marashi (ed.), *Persian studies in North America: A festschrift for Professor M.A. Jazayeri (43-73)*, Iranbooks.
- Karimi, S. 2001. Persian complex DPs: How mysterious are they? *Canadian journal of linguistics*, 46 (1-2): 63-96.
- Karimi, S. 2003. Focus movement and the nature of uninterpretable features, In A. Carnie, H. Harley and M. Willie (eds.), *Formal approach to functional focus (297-306)*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Karimi, S. 2005. *A Minimalist approach to scrambling: Evidence from Persian*, Berlin, Mouton de Gruyter.
- Karimi, S. and A. Taleghani. 2007. Wh-movement, interpretation, and optionality in Persian, In S. Karimi, V. Samiian, and W. Wilkins (eds.), *Clausal and phrasal architecture: Syntactic derivation and interpretation (167-187)*, Amsterdam: John Benjamins Publishing.
- Kaynamuyipour, A. 2001. On wh-questions in Persian. *Canadian journal of Linguistics*, 46(1-2): 41-61.
- Kayne, R. 1994. *The antisymmetry of syntax*, Cambridge, MIT Press.
- Pollock, J.Y. 1989. Verb movement, universal grammar and the structure of IP. *Linguistic inquiry*, 20(3): 365-424.
- Raghibdoust, S. 1993. *Interrogative constructions in Persian*. M.A thesis, Canada: University of Ottawa.
- Rizzi, L. 1997. The fine structure of the left periphery, In L. Haegeman (ed.), *Elements of grammar (281-337)*, Dordrecht: Kluwer.
- Sabel, J. 2000. Partial wh-movement and the typology of wh questions, In U. Lutz, G. Müller, and A. von Stechow (eds.), *Wh-scope marking (409-447)*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Taleghani, A. 2006. *The interaction of modality, aspect and negation in Persian*. Doctoral dissertation, Arizona University: USA.
- Zeijlstra, H. H. 2004. *Sentential negation and negative concord*. Doctoral dissertation, University of Amterdam. Utrecht: LOT publications.